



چکیده

قرآن منبع نخست اصول و مبانی تعلیمات و احکام دین اسلام و معجزه‌ی جاودان پیغمبر اکرم (ص) است. رسول خدا (ص) در نظر و عمل، اهمیت ورزیدن به قرآن و تلاوت، حفظ آیات و عمل به احکام، تعالیم و دستورات آن را به مسلمانان آموخته است. از این رو، همواره قرآن، از جنبه‌های مختلف مورد توجه و عنایت ویژه دانشمندان و مفسران مسلمان بوده و هست. چنان‌که پیروان دیگر ادیان هم به شناخت قرآن اهتمام ورزیده، آثاری بر پایه شناخت‌های علمی واقع‌گرایانه و یا مطابق اغراض دینی و سیاسی خویش پیرامون تاریخ و تعالیم قرآن منتشر کرده‌اند. در این مقاله به کتاب‌های تاریخ قرآن با تکیه بر کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن نوشته‌ی دکتر سید محمد باقر حجتی می‌پردازیم.

کلید واژگان: قرآن، تاریخ قرآن، پیغمبر (ص)، صحابه، خاورشناسان



مقدمه

قرآن کلام خداوند است که مطابق دیدگاه عالمان مسلمان طی دو نزول دفعی و تدریجی در مدت ۲۳ سال رسالت پیغمبر اکرم (ص)، توسط فرشته‌ی وحی: جبرئیل امین، به آن حضرت ابلاغ شده است. مطابق نص صریح قرآن و به اجماع دانشمندان فریقین، قرآن یگانه پیام آسمانی است که در گذر زمان و طی قرون و اعصار، اصالت خود را حفظ کرده و بدون کمترین دستبرد یا کمی و کاستی، و یا نزول و زیادتیی، همچنان که در ابتدا بر رسول خدا (ص) نازل شد، از هرگونه آفتی در امان مانده است:

أنا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (الحجر، ۹)

لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه (فصلت، ۴۲)

از این رو همواره به عنوان برنامه هدایت و تربیت انسان، مورد توجه و عنایت بوده است. مباحثی از قبیل: داستان چگونگی آغاز وحی و نزول قرآن، کم و کیف سوره‌های مکی و مدنی، ترتیب سوره و اسباب نزول، اسامی و اوصاف قرآن، کاتبان وحی، قاریان و قرآت، جمع‌آوری و تدوین قرآن، مصاحف و اختلاف آن، رسم‌الخط، تحریف، ترجمه قرآن به زبانهای دیگر و موضوعاتی چون امکان ترجمه قرآن، دیدگاه موافقان و مخالفان، ترجمه‌های قرآن، شرایط ترجمه و ویژگی‌های مترجم و ... موضوع دانشی است که از آن به «تاریخ قرآن» یاد می‌کنند.

در گذشته اصطلاح «تاریخ قرآن» وجود نداشت بلکه دانشمندان روزگاران پیش‌تر، عنوان «شناخت قرآن» را به کار می‌بردند (معرفت، ۲). آنان در قرون نخستین اسلامی، کتاب‌های فراوانی در این موضوع نگاشته‌اند که بیشتر به توصیف «مصاحف» همت ورزیده و از ویژگی‌های مصاحف قرآن سخن رانده‌اند. به همین دلیل کتاب‌های خود را المصاحف و شماری دیگر اختلاف المصاحف نام نهاده‌اند. برخی از این آثار عبارتند از:



اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق، عبدالله بن عامر (۱۱۸ ق.) یکی از قاریان سبعة، اهل شام.

اختلاف مصاحف اهل‌المدینه و اهل‌الکوفه و اهل‌البصره، علی بن حمزه کسائی (۱۸۹ هـ) یکی از قاریان سبعة، اهل کوفه.

اختلاف اهل‌الکوفه و البصره و الشام، یحیی بن زیاد قرآء بغدادی (۲۰۷ ق.).

اختلاف المصاحف، خلف بن هشام، قاری بغداد (۲۲۹ ق.).

اختلاف المصاحف و جامع‌القراءات، ابوالحسن مدائنی (۲۳۱ ق.).

اختلاف المصاحف، ابوحاتم رازی (۲۴۸ ق.).

المصاحف، عبدالله بن ابن داود سجستانی (۳۱۶ ق.).

المصاحف، ابن‌الانباری، (۳۲۷ ق.).

المصاحف، ابن‌اشته اصفهانی (۳۶۰ ق.).

در دوره‌های کنونی هم کتاب‌های پرشماری در موضوع تاریخ قرآن نگاشته شده که نشان دهنده‌ی اهمیتی است که از سوی محققان و پژوهشگران نسبت به قرآن می‌شود. عمده‌ترین آنها به زبان عربی عبارتند از:

تاریخ‌القرآن، ابو عبدالله زنجانی؛ لمحات من تاریخ‌القرآن، سید محمد علی‌اشیقر؛ تاریخ‌القرآن و التفسیر، دکتر عبدالله محمود شحاته؛ تاریخ‌القرآن و غرائب رسمه، محمد طاهر؛ تاریخ‌القرآن، دکتر عبدالصبور شاهین؛ تاریخ‌القرآن، ابراهیم‌الابیاری؛ تاریخ‌القرآن و المصاحف، موسی جارالله؛ من قضاياالقرآن، نظمه، جمعه و ترتیبه، عبدالکریم خطیب؛ حقائق هامه حول‌القرآن الکریم، سید جعفر مرتضی‌عاملی؛ التمهید فی علوم‌القرآن، آیت‌الله محمد هادی معرفت؛ تاریخ‌القرآن و علومه، سید ابوالفضل میرمحمدی؛ المعجزه‌الکبری، القرآن، نزوله، کتابته، جمعه، اعجازه ...، محمد ابوزهره.

علاوه بر اینکه تعداد زیادی از کتب فوق به زبان فارسی ترجمه شده، آثار دیگری هم درباره‌ی تاریخ قرآن به زبان فارسی نوشته شده است. از جمله: تاریخ قرآن،



دکتر محمود رامیار؛ تاریخ و علوم قرآن، علی حجتی کرمانی؛ تاریخ جمع قرآن کریم، محمدرضا جلالی نائینی؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمد باقر حجتی.

خاورشناسان نیز در پی تحقق اهداف علمی و یا اغراض دینی و سیاسی خویش از تاریخ قرآن و مباحث مربوط به آن غافل نبوده‌اند. چنان‌که برخی از آنان نتایج مطالعات خود را زیر عنوان: تاریخ قرآن منتشر کرده‌اند و برخی از آنها به فارسی هم ترجمه شده است. از جمله: تاریخ قرآن نوشته‌ی نولدکه Noldeke با همکاری شوالی Schually؛ که نخستین کتابی است که در تاریخ قرآن نگارش یافته است. دیگری کتاب: تاریخ قرآن رژی بلاشر است که آن را دکتر محمود رامیار با عنوان: در آستانه‌ی قرآن ترجمه کرده است.

در این مقاله به بررسی، نقد و ارزیابی کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن نوشته دکتر سید محمد باقر حجتی می‌پردازیم.

پژوهشی در تاریخ قرآن کریم

کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دومین کتاب مفصل در زبان فارسی پیرامون «تاریخ قرآن» است. نخستین کتاب در این مورد، کتاب: تاریخ قرآن نوشته‌ی دکتر محمود رامیار است که به سال ۱۳۴۶ش در تهران منتشر شد. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، نوشته‌ی سید محمد باقر حجتی است. دکتر حجتی، دانش‌آموخته‌ی حوزه و دانشگاه که به رغم رشته‌ی تحصیلی دانشگاهی‌اش: فلسفه و حکمت اسلامی، در علوم قرآن و حدیث، خصوصاً تاریخ و تفسیر قرآن شهرت دارد، آثار عمده‌ای در این حوزه منتشر کرده است. از مهمترین آثار وی می‌توان به این کتابها اشاره کرد: تفسیرالکاشف (با همکاری دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی)؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان



مسلمان؛ تاریخ شیعه (محمد حسین مظفر؛ فهرست نسخه‌های خطی کتب علوم قرآنی ...

دکتر حجتی، کتاب تاریخ قرآن خود را نخستین بار در سال ۱۳۵۸ پس از شهادت استاد مرتضی مطهری (ره) که بنا داشت مقدمه‌ای بر آن بنگارد، در تهران منتشر کرد. عناوین و اسامی قرآن، وحی الهی، نزول قرآن کریم، آیه، سوره، فواتح سور و حروف مقطعه قرآن، تعداد حروف و کلمات قرآن، نگارش قرآن کریم در زمان پیامبر اسلام (ص)، پیامبر امی، نگارش قرآن کریم، جمع و تدوین قرآن کریم، قرائت قرآن، لهجه‌ی قرآن کریم و منشأ اختلاف قرائت، قراء قرآن کریم، (سبعه، عشره و اربعه عشر)، جمع و تدوین قرآن پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)، جمع و نگارش قرآن هم‌زمان با خلافت ابی بکر، تدوین و جمع‌آوری قرآن در زمان خلافت عثمان، اصلاح شیوه‌ی نگارش قرآن «نقطه و اعجام» و معرفی نمونه‌هایی از اهم نسخه‌های کهن و نفیس قرآن کریم از نقاط مختلف جهان موضوعاتی است که در نوزده بخش مورد مطالعه و بررسی مفصل قرار گرفته است.

این کتاب سیزده سال پس از نخستین چاپ تاریخ قرآن دکتر محمود رامیار منتشر شده است. ویژگی‌های شخصیتی مؤلف و تحصیلات حوزه‌ای و دانشگاهی او باعث شده تا جهت‌گیریهای مطالعاتی و دیدگاههای نظری وی برجستگی ویژه‌ای داشته باشد. شاید همین عوامل باعث شده تا کتاب از استقبال خوب مخاطبان برخوردار باشد و آثار مشابه خصوصاً کتاب رامیار را پشت سر بگذارد. مروری اجمالی بر فهرست و مطالب دو کتاب مورد بحث، اگرچه نمایانگر همسانی نسبی عناوین مطالب و موضوعات است، مطالعه‌ی دقیق مطالب و محتوای اوراق، گویای دقت اندیشه و ژرف‌نگری خاص دکتر حجتی است. بهره‌گیری عمیق از معارف شیعه در کنار تحصیلات گسترده در حوزه و دانشگاه، نویسنده را قادر ساخته اثری در خور توجه تدوین کند. نقد دیدگاههای دیگران و دفع شبهات

خاورشناسان که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، به گونه‌ای علمی و حقیقت‌گرا، در کنار نثری روان و ساده و در عین حال متقن و دقیق، به کتاب تاریخ قرآن ویژگی خاصی بخشیده است. تفاوت‌های دو کتاب یاد شده را می‌توان در ترتیب مطالب، حجم مطالب و منابع و مأخذ هر کدام خلاصه کرد. در حالی که دکتر حجتی عناوین بیشتری را در قالب ۶۲۷ صفحه وزیری جای داده است دکتر رامیار برای بیان دیدگاه‌های خویش در موضوعات تاریخی قرآن، به ۸۲۴ صفحه در همین قطع نیاز پیدا کرده است.

تفاوت عمده‌ی این دو اثر را باید در جهت‌گیری و نوع نگاه هر کدام جستجو کرد که به چه حوزه‌ای از مطالعات دینی گرایش دارند. در حالی که دکتر حجتی همت خویش را صرف پای‌بندی به آموزه‌های دینی و معارف شیعی کرده و با حقیقت‌جویی و واقع‌گرایی به طرح دیدگاه‌های دیگران و نقد و ارزیابی آن‌رو

می‌آورد و در پایان با استدلال علمی به اثبات دیدگاه خود می‌پردازد، به نظر می‌رسد دکتر رامیار که در محیط دانشگاهی سالهای دهه‌ی سی و چهل و در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران به مطالعه و تحقیق در تاریخ قرآن پرداخته، بیشتر تحت تأثیر روایات و اخبار اهل سنت و گاهی اوقات کتاب‌های خاورشناسان، کتاب تاریخ قرآن را تدوین کرده است. نگاهی گذرا به موضوعات: آغاز وحی (ص ۱۳۱-۱۳۳)، تألیف قرآن در زمان رسول خدا (ص ۷) (ص ۲۱۱-۲۹۶)، و جمع آوری قرآن در زمان ابوبکر (ص ۲۹۷-۳۳۲) صحت این مطلب را به اثبات می‌رساند. انبوه منابع و مأخذ غیرشیعی رامیار و جهت‌گیری مطالعاتی وی راه را برای چنین برداشت‌هایی هموار کرده است. شاید فلسفه‌ی اصلی در بهره‌گیری کمتر دکتر حجتی از منابع همین نکته باشد. در حالی که شمار منابع رامیار بالغ بر ۵۰۰ منبع فارسی، عربی و اروپایی می‌شود، منابع حجتی از ۱۵۰ منبع فارسی و عربی تجاوز نمی‌کند. این نشان می‌دهد که دکتر حجتی تدوین تاریخ قرآن را نه در گرو بهره‌گیری از این منابع فراوان می‌داند و نه به آنها اعتماد کامل دارد و

البته این دیدگاه اگر وجود داشته باشد، به صحت و اصالت پژوهش کمک می‌کند. استفاده از منابع فراوان که بخش عمده‌ای از آنها نیازمند نقد و بررسی و اصلاح دیدگاه مؤلفان و پدیدآورندگان است، امتیاز قابل ملاحظه‌ای ندارد جز اینکه حجم مطالب را زیاد و مطالعه‌ی پژوهش را برای مخاطبان بسی دشوار می‌کند. از این رو نگارنده معتقد است که پشتوانه‌ی علمی و مطالعات گسترده‌ی پیشین، نویسنده‌ی کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن را از مراجعه به منابع فراوان و خوشه‌چینی از هر کدام بی‌نیاز ساخته است. در عین حال باید به این نکته هم توجه داشت که دیدگاه‌های دکتر حجتی مستند و مستدل است. چنان‌که در هر صفحه می‌توان بهره‌گیری و استناد وی به یک یا چند منبع مهم و عمده را ملاحظه کرد.

نقد دیدگاه خاورشناسان

نویسنده‌ی پژوهشی در تاریخ قرآن، در موارد بسیاری ضمن طرح دیدگاه‌های شماری از خاورشناسان در مباحث علوم قرآنی، به نقد و ارزیابی آن پرداخته، شبهات مغرضانه شماری از آنان را رد نموده است. به‌عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. حروف مقطعه‌ی قرآن، مؤلف زیر موضوع فواتح سور و حروف مقطعه‌ی قرآن که در بخش ششم صفحات ۱۱۱-۱۳۶ کتاب را دربر می‌گیرد، ضمن بیان این نکته که فواتح سور، از موضوعاتی است که از دیرباز نظر دانشمندان تفسیر و علوم قرآنی را به خود جلب کرده است ... و همه‌ی مفسران شیعی و محققان علوم قرآنی متعرض بحث و تحقیق درباره‌ی آن شده و با استناد به احادیث و روایات، آراء و اقوال گوناگونی در بخشی از فواتح سور اظهار داشته‌اند (ص ۱۱۱)، یادآور می‌شود که اگرچه آراء و اقوال فریقین در ارائه‌ی مدلول حروف مقطعه‌ی قرآن در حد وسیعی به هم نزدیک می‌باشد ولی گاهی در بعضی از این آراء نوعی از



تعارض به چشم می‌خورد. مؤلف تحقیقات و بررسی‌های مربوط در این زمینه را نقطه‌ی عطفی در مطالعات دانشمندان علوم قرآنی می‌داند و عقیده دارد که تاکنون در زمینه‌ی ارائه‌ی مدلول حروف مقطعه‌ی قرآن، رأی قاطعی نمی‌بینیم و نوعاً علمای تفسیر و دانشمندان معارف قرآنی محتاطانه در این باره اظهار عقیده کرده‌اند (ص ۱۱۲).

مؤلف پس از تأکید بر اینکه حروف مقطعه‌ی قرآن از مباحث پیچیده و مشکل قرآن محسوب می‌شود (همان)، بیان می‌کند که برای فهم معانی و منظور حروف مقطعه، دانشمندان علوم قرآنی، فصلی از متشابهات قرآن را به بحث درباره این حروف اختصاص داده‌اند؛ و آن را خالی از رابطه با بحث از تاریخ و سرگذشت قرآن نمی‌داند (همان‌جا، ۱۱۶). وی آنگاه به بیان آراء دانشمندان درباره‌ی مدلول حروف مقطعه و حکمت افتتاح سور به آنها پرداخته و دیدگاه شماری از عالمان فریقین را بیان کرده است (ص ۱۱۷-۱۳۶). دکتر حجتی عجیب‌ترین نظریه درباره‌ی حروف مقطعه‌ی قرآن را که به نظر وی سخت سخیف است، نظر نولدکه مستشرق آلمانی می‌داند. مطابق دیدگاه نولدکه، حروف مقطعه قرآن، مطالبی بیگانه از نص قرآنی است و مردم آن را به قرآن افزودند. او در تاریخ قرآن خود می‌گوید: حروف نخستین و یا حروف آخر فواتح سور مأخوذ از اسماء و نام‌های برخی از صحابه می‌باشد که نسخه‌هایی از سوره‌های معینی از قرآن نزد آنها بوده است (همان، ۱۲۷). دکتر حجتی بطلان این نظر سخیف را با اظهار نظر هم‌تایان غربی نولدکه بیان می‌کند که چنین اقدامی را از مؤمنین امثال صحابه مذکور بسیار بعید می‌دانند (ص ۱۲۸). وی به نقل از بلاشر می‌گوید: به هیچ‌وجه معقول نیست که مصحف‌نویسان، حروف نخستین اسماء معاصرین را در نسخه‌های قرآنی آورده باشند و اگر می‌دانستند که منظور از این حروف صرفاً ارائه نام آنهاست، از نگارش آن خودداری می‌کردند. در حالی که همه‌ی آنها این حروف را در فواتح سور می‌نوشتند (ص ۱۲۸).

نویسنده نظر خاورشناس دیگری را که اشپرینگر نام دارد و «طسم» را به صورت مقلوب و معکوس، اشاره به «لایمشته الا المطهرون» می‌داند (ص ۱۲۵)، جالب و شگفت دانسته، آن را از جمله آراء فراوانی می‌داند که آمیخته‌ی با حدس و تخمین است و نمی‌توان پذیرفت.

۲. امی بودن پیامبر (ص)، نویسنده در بخش نهم ص ۱۸۷ تا ۲۰۰ زیر عنوان: «پیامبر امی» کوشیده به این پرسش پاسخ دهد که: آیا پیامبر اسلام (ص) به خواندن و نوشتن آشنایی داشت؟ وی در پاسخ به این پرسش، از معرفی پیغمبر (ص) در حدیث و قرآن به «امی» یاد کرده متذکر، می‌شود که از نظر محققان اسلامی، این مساله به مطالعه و بررسی گسترده‌تری نیازمند است. زیرا در این مورد آراء و اقوال متفاوت و متعارضی وجود دارد که شایسته‌ی دقت و ضمناً قابل توجه می‌باشند (ص ۱۸۷). آنگاه به بیان سه احتمال در مورد خواندن و نوشتن

رسول خدا (ص) می‌پردازد و احتمال نخست را که می‌گوید: پیامبر اسلام (ص) نه هرگز چیزی نوشت و نه در نوشته‌ای به منظور خواندن نگریست؛ مورد پذیرش اکثر علمای اسلام می‌داند (ص ۱۸۸-۱۸۹) سپس به بیان آراء مستشرقین در این زمینه پرداخته و با بیان تفصیلی آن، در نهایت دیدگاه بلاشر و دیگران را که با استناد به قضیه‌ی حدیبیه و حوادث مربوط به مرض موت پیغمبر (ص)، نتیجه‌گیری می‌کند که: قراین و شواهد موجود دلالت دارد که پیغمبر (ص) به خواندن و نوشتن آشنایی داشته است؛ با قاطعیت رد می‌کند و محتوای هیچ کدام از دو قضیه‌ی مورد استناد بلاشر را برای اثبات اینکه پیغمبر (ص) شخصاً چیزی نوشته باشد، کافی و صریح نمی‌داند (همان، ۱۹۳).

نویسنده پس از بیان دیدگاه های مختلف و آراء اندیشمندان مسلمان نتیجه می‌گیرد که:

«قرائن تاریخی حاکی از یک حقیقت در سرگذشت و زندگانی پیامبر گرامی اسلام (ص) است و آن عدم آشنایی وی به خواندن و نوشتن می‌باشد. زیرا در غیر



این صورت این همه به حافظه و قرائت قرآن روی نمی‌آورد بلکه با داشتن بهره و نصیبی از خواندن و نوشتن، قرآن را می‌نگاشت و از تکرار قرائت و تمرین آن به منظور حفظ و از بر کردن قرآن بی‌نیاز می‌بود.» (ص ۲۰۰).

۳. قرائت قرآن

بحث و مطالعه پیرامون قرائت قرآن علاوه بر آنکه از نظر دینی و تاریخی و علمی بسیار سودمند است و از جنبه‌ی مطالعه و فهم خود قرآن و تاریخ و کیفیت نزول آن نیز شدیداً ضروری می‌باشد و می‌تواند محققان لهجه‌های عربی را به بهترین و مطمئن‌ترین مراجع و مآخذ راهنمایی کند ... در عین حال باید توجه داشت که عامل منحصر به فرد اختلاف قرائت قرآن، اختلاف لهجه‌های زبان عربی نیست اما اختلاف لهجه‌ها را می‌توان یکی از اسباب و عوامل اختلاف قرائت دانست (همان، ۲۴۷).

نویسنده زیر عنوان: قرائت قرآن ص ۲۴۰ تا ۲۷۵، به بررسی دیدگاه دانشمندان مسلمان - شیعه و سنی - و تحقیقات مستشرقین در بحث قرائت پرداخته و عوامل پیدایش و تاریخ تدوین آن را بیان نموده است. در این راستا به بحث درباره‌ی معنی لغوی و اصطلاحی قرائت و دیدگاه‌های مختلف در این باره همت گماشته و به این پرسش پاسخ داده که آیا اجتهاد و اظهار نظر علمی در قرائت جایز است. و پاسخ آن را با توجه به تعریف صحیح قرائت، منفی می‌داند (ص ۲۵۰). آنگاه به نقد و بررسی دیدگاه گلدزیهر درباره‌ی منشأ اختلاف قرائت می‌پردازد که در کتاب: مذاهب التفسیر الاسلامی، منشأ آن را اختلاف رسم و کتابت قرآن دانسته می‌نویسد:

قسمت مهمی از اختلاف قرائت به خصوصیات خط عربی مربوط است. زیرا این خصوصیات اندازه‌های مختلف صوتی ایجاد می‌کند که منشأ آن نیز اختلاف وضع

نقطه‌هایی است که زیر یا روی فرم و شکل خط قرار گرفته و یا منشأ آن، اختلاف نقطه از نظر تعداد است (همان، ۲۵۴ به نقل از: مذاهب التفسیر الاسلامی، ۸-۹).
 دکتر حجتی گلدزیهر را مغرض می‌داند و عقیده دارد که وی در این کتاب غالباً معصومانه و بی‌غرض بحث نمی‌کند و در این مورد هم از طریق حق و صواب و انصاف منحرف گشته و دور از واقعیت سخن می‌گوید. زیرا اگر منشأ اختلاف قرائت همان باشد که وی می‌گوید، این اختلاف به طرز دهشت‌آوری قرائت بی‌اندازه‌ای ایجاد می‌کرد که رسم‌الخط و کتابت قرآن، آن را نمی‌پذیرد ... (همان، ۲۵۴).

علاوه بر این گلدزیهر از یک حقیقت تاریخی نیز چشم پوشیده و یا از آن اطلاع نداشته است. زیرا عثمان طبق گفته‌ی اهل سنت، مخصوصاً دستور داد که قرآن به صورتی عاری از نقطه جمع‌آوری گردد تا رسم‌الخط و کتابت آن، توانایی پذیرش قرائت منقول از پیغمبر (ص) را داشته باشد و به علت رسم‌الخط و کتابت خاص و ویژه‌ای، قرآن به قرائت یا صرف و یا تلفظ مخصوصی محدود نگردد و اصحاب پیغمبر (ص) متفقاً عمل عثمان را درباره‌ی قرآن و رسم‌الخط و کتابت آن تأیید کردند. بنابراین اختلاف قرائت، ناشی از اختلاف کتابت قرآن نبوده بلکه اولین و آخرین منشأ اختلاف قرائت، سند و روایت آن است (همان، ۲۵۵).

وی آنگاه با بیان دو قرائت نادرست و مردود که از حمّاد در آیه‌ی ۱۴ سوره توبه، و حمزه زیات در قرائت آیه نخست سوره بقره آورده، بیان می‌کند که این هم دلیل بر ضعف و سستی دیدگاه گلدزیهر است چراکه در این صورت می‌بایست این دو قرائت هم درست باشد، در حالی که هیچ‌یک از دانشمندان این قرائت را نپذیرفته و حتی نمی‌توان آن را از قرائت هفتگانه یا ده‌گانه و یا حتی چهارده‌گانه محسوب نمود (همان، ۲۵۵).

یک دلیل دیگر در سستی و نادرستی رأی گلدزیهر از نظر دکتر سید محمد باقر حجتی، حادثه‌ای است که درباره‌ی ابن شنبوذ نقل می‌کنند که می‌گفت: هر

قراآتی که موافق با رسم الخط مصحف عثمانی است، در صورتی که دارای وجه صحیحی در عربیت باشد، جائز است. به خاطر همین رأی بود که ابن‌شنبوذ مورد اعتراض و خرده‌گیری علما قرار گرفت و در نتیجه از عقیده و رأی خود بازگشت. (همان، ۲۵۵-۲۵۶ به نقل از: مذاهب التفسیر الاسلامی، ۸).

نویسنده در ادامه‌ی بحث، پس از رد دیدگاه ولرس Vollers خاورشناس، که معتقد است: قرآن در آغاز به لهجه‌ی عامیانه و معمول روزمره‌ی مردم نازل شده که با اسلوب و سبک پیشرفته‌ی زبان عربی که تحت تأثیر قواعد صرف و نحو و عربیت قرار دارد، تفاوت و اختلاف زیادی داشت و پس از آن تصحیح و تحریر شد و نظم و سازمان جدیدی یافت که با قواعد عربی هماهنگی پیدا کرد (همان، ۲۶۳)؛ تشکیک برخی از خاورشناسان از جمله آرتور جفری Arthur Jeffery درباره‌ی قرآت قرآن را سخیف ارزیابی کرده، عقیده دارد که اگر کسی با امعان نظر دلیل جفری را مطالعه کند می‌فهمد که وی در صدد ایجاد تشکیک در نصوص قرآنی است، یعنی جفری ضمن بیان این مطلب می‌خواهد توهمی ایجاد نموده و تلویحاً بفهماند که ذاکره و حافظه‌ی انسان هرچند قوی و نیرومند باشد، نمی‌تواند مخزونات خود را برای مدت زیادی نگهداری کند و این امر ممکن است احیاناً منجر به نقص و یا زیادت در نص قرآنی گردد و مانند اشعار منقوله، دستخوش تغییر و تبدیل و یا تحریف قرار گیرد (همان، ۲۶۸-۲۶۹). بیان جفری همراه با دلیلی که اقامه می‌کند نوعی مغالطه به شمار می‌آید. زیرا صرف جمع‌آوری نشدن قرآن در زمان پیغمبر (ص) نمی‌تواند دلیل بر عدم کتابت آن باشد. آیا روایات زیادی که کتابت قرآن را صریحاً تأیید و تأکید می‌کند نمی‌تواند به جفری و دیگر خاورشناسان ثابت نماید که قرآن در زمان پیغمبر (ص) نوشته شده بود؟ (همان‌جا).

نویسنده در ادامه با استناد به روایات و احادیث فراوانی جمع، تألیف و ترتیب قرآن در زمان پیغمبر (ص) را ثابت می‌کند (همان، ۲۶۹-۲۷۵) تا نادرستی



دیدگاه آرتور جفری و هم‌تایان خاورشناس او را به صورتی متقن و مستدل رد کند.

۴. لهجه‌ی جاهلی و لهجه‌ی قرآن

نویسنده هنگام بحث در باره‌ی لهجه‌ی قرآن، متوجه موضوع دیگری می‌شود که معتقد است دارای پیوستگی عمیقی با آن و بلکه جزئی از آن است و آن را تحقیقی کوتاه درباره‌ی لغت و لهجه‌ی ادب جاهلی می‌داند. آنگاه با طرح پرسش‌هایی از جمله: «آیا عرب جاهلی دارای لغت و لهجه‌ی خاصی بوده...» و «آیا این لهجه در سطحی عالی‌تر از لهجه‌های محلی و سایر لهجه‌های قبایل متعدد عربی قرار داشت؟» «اگر دارای لهجه‌ی خاصی بودند، لهجه‌ی چه قبیله و چه افرادی بوده و در چه نقطه‌ی ای پدید آمده بود؟» و پرسش‌های دیگری از این قبیل. سپس پاسخهای گروهی از خاورشناسان از جمله نولدکه، نالینو، هارتمن، ولرس، لندبرگ، فیشر، بروکلیمان و ویتزاشتاین را آورده و بیان می‌کند که: خاورشناسان آرا و نظریه‌های خود را از روایاتی استنباط کرده‌اند که دانشمندان اسلامی درباره شعر و لغت و لهجه‌های عربی نگاشته‌اند و با اینکه آراء آنان مبتنی بر روایات دانشمندان مسلمان است در عین حال برای یک نظریه‌ی علمی صحیح و قاطع درباره‌ی لهجه‌ی قرآن کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا روایات دانشمندان اسلامی در عصر حکومت اسلامی تدوین شده یعنی پس از آنکه لغت و زبان، استقرار یافت و لغت قرآن کریم، زبان رسمی و معمولی تمامی ملت عرب گردید، این روایات به وجود آمد ... (ص ۲۹۵-۲۹۷).

چند نکته‌ی توضیحی

لازم است در بررسی کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن، خواننده‌ی ارجمند را به چند نکته توجه داده، مطالبی را هرچند به اختصار بیان کنیم.



۱. وحی

نویسنده پس از بیان کیفیت و چگونگی وحی، با دقت و هوشیاری و با بیان این نکته که «گروهی از دانشمندان معاصر و همچنین علمای پیشین سعی کرده‌اند با روش‌های مختلف علمی، موضوع وحی را که از مسائل غیبی است، توجیه و تفهیم نمایند و چون این کوششها به عقیده‌ی نگارنده تلاشی عقیم و بی‌ثمر برای فهم مسائل فوق ادراک انسانی است و جز آنکه کلافی سردرگم برای افکار و اندیشه‌های انسانی به ارمغان بیاورد، گره‌ای از این مشکل نمی‌گشاید، لذا از بحث در این‌گونه ژرف‌بینی‌های بی‌ثمر، خودداری کرده و به سخنی کوتاه درباره‌ی آثار وحی بسنده نمودیم و علاقه‌مندان به این نوع بررسی‌ها را به مراجع در خور رهنمون می‌شویم، از درگیر شدن در چنین مباحثی دوری کرده، خوانندگان را به منابع و مراجع «در خور» حواله داده است. در ادامه همین بحث (ص ۳۴ و ۳۵) از گوشه‌گیری‌های پیغمبر (ص) پیش از بعثت سخن می‌گوید که عرب آن را تحنث می‌نامد. مؤلف نقش مؤثری برای تحنث در ساخت شخصیت پیغمبر (ص) و آمادگی روحی و روانی آن حضرت برای پذیرش وحی قائل است. هرچند نمی‌توان تأثیر تحنث را به طور کلی نادیده انگاشت، به نظر می‌رسد چنین نقش فوق‌العاده‌ای را نتوان برای دوره‌های عزلت و گوشه‌گیری آن حضرت قائل شد. این حقیقت دارد که پیغمبر (ص) مدت‌هایی را به دور از هیاهوی زندگی مکه در غار حرا به عبادت و تفکر در آفاق و انفس و مطالعه در آفرینش جان‌ها و جهان‌ها می‌پرداخت اما اینکه این عبادات و مطالعات زمینه را برای رؤیاهای صادق (همان، ۳۵) و سپس وحی آماده کرده باشد، نیاز به اندیشه و تحقیق بیشتری دارد. آنچه تاکنون در این حوزه عاید شده نمی‌تواند پاسخ پرسش فوق را به صراحت بیان کند. اگر چنین تأثیری را بپذیریم باید در جستجوی مری هم برآییم، کاری که قطعاً از دیدگاه دانشمندان مسلمان مردود است.



۲. چگونگی آغاز وحی و بعثت پیغمبر (ص)

نویسنده چگونگی آغاز وحی را (ص ۳۶ و ۳۷) بدون ذکر منبع در قالب روایتی منقول از پیغمبر اکرم (ص) به گونه‌ای بیان می‌کند که با تحقیقات معاصر و دیدگاه عالمان شیعه همخوانی ندارد. مسأله‌ی فشردن پیغمبر (ص) توسط جبرئیل، بحثی است که به عقیده‌ی دانشمندان و پژوهشگران معاصر شیعه دلیل و توجیه قابل فهمی ندارد. چنان‌که برخی از آنان به شدت با این روایت مخالفت کرده آن را از روایات جعلی و ساختگی دانسته‌اند که برای هتک حرمت پیغمبر (ص) وضع شده است. سید جعفر مرتضی عاملی در بررسی مفصل خود با عنوان: *الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص) که گزیده‌ی آن با نام: سیرت جاودانه توسط نگارنده ترجمه و منتشر شده، روایات آغاز وحی را از دو مکتب خلافت و امامت نقل و نادرستی دیدگاه اهل سنت را با بیان دلایلی اثبات می‌کند (مرتضی، الصحيح، ۲/ ۲۸۵-۳۱۴).*

نکته دیگری که در این روایت است اینکه چرا پیغمبری حضرت محمد (ص) را فردی تشخیص می‌دهد که به نوشته غالب متون تاریخی بر آیین نصرانی بود و در حالی از دنیا رفت که همچنان مسیحی باقی ماند و لب به حقانیت پیغمبر (ص) ننگشود؛ او ورقه‌ی بن نوفل است که حضرت را به پایداری فرا می‌خواند اما خود ایمان نمی‌آورد. چرا پیغمبر (ص) به توصیه جبرئیل از رسالت خویش مطمئن نشد که در همین روایت منقول، در نیمه راه بازگشت حضرت ندا می‌داد: «ای محمد! تو رسول خدایی و من جبرائیلیم» (حجتی، ۳۶).

آیا بهتر نیست در این باره به روایات مکتب اهل بیت (ع) پایبند باشیم که از حقیقت ماجرا باخبر بوده‌اند و از قدیم گفته‌اند: اهل البیت ادری بما فی البیت.



۳. ترتیب قرآن، توقیفی یا اجتهادی؟

نویسنده در بیان ترتیب سوره‌های قرآن، ضمن تشریح دو دیدگاه رایج، رأی سومی را که دیدگاه خود اوست مطرح و از آن دفاع می‌کند. یکی از دو دیدگاه قبلی، ترتیب سوره‌ها را به اجتهاد دو رأی صحابه می‌داند که مطابق ذوق و سلیقه‌ی شخصی خود، ترتیب موجود را در سوره‌های قرآن به وجود آوردند. دیدگاه دوم برعکس، عقیده دارد که صحابه در هنگام تدوین و جمع‌آوری قرآن، طبق اشاره پیغمبر (ص) سوره‌های قرآن را مرتب کرده و از هرگونه دخل و تصرفی در آن اجتناب ورزیدند. دیدگاه نخست، ترتیب سوره‌ها را اجتهادی و دیدگاه دوم، آن را توقیفی می‌داند.

دکتر سید محمد باقر حجتی دیدگاه خود را حد میانه دانسته بر این اعتقاد است که «ترتیب موجود در بخش عمده‌ای نزدیک به تمام سور قرآنی توقیفی است و ترتیب بخشی اندک طبق رأی و اجتهاد صحابه انجام گرفته است» (همان، ۹۰). اما این دیدگاه با رأی مؤلف درخصوص نگارش و جمع قرآن در عصر پیغمبر (ص) منافات آشکار دارد. وی در بیان این عقیده‌ی خود می‌گوید: «از مجموع مطالعاتی که درباره‌ی تاریخ قرآن دارم، معتقدم که قرآن در زمان رسول خدا (ص) به طور کامل نگارش یافت ... بنابراین می‌توان گفت که قرآن با ترتیب موجود و یا هر ترتیب دیگری، در زمان رسول خدا (ص) وجود داشته یعنی قرآن به هر ترتیبی که منظور نظر باشد، در زمان پیغمبر (ص) جمع‌آوری و مرتب گشت» (همان، ۲۳۱-۲۳۲).

اگر این عقیده را بپذیریم که قرآن در روزگار رسالت و زیر نظر و با ارشاد رسول اکرم (ص) تدوین شده است، و البته عقیده حق همین است؛ و مطابق دلایلی که مؤلف محترم در ص ۲۱۸ تا ۲۳۴، ۲۶۹ تا ۲۷۵ در اثبات این دیدگاه آورده است، جایی برای پذیرش این دیدگاه نخواهد ماند که ترتیب موجود را در بخش عمده‌ای (ولو) نزدیک به تمام سور قرآن توقیفی بدانیم و ترتیب بخش اندکی را

طبق رأی و اجتهاد صحابه، مگر اینکه مدعی شویم تدوین و جمع آوری قرآن در عصر پیغمبر (ص) کامل نشد و مواردی باقی ماند که پس از رحلت حضرت، صحابه آن را تکمیل کردند. این دیدگاه را دانشمندان شیعه و از جمله مؤلف محترم نمی‌پذیرند.

۴. بسم‌الله الرحمن الرحیم

یکی از مباحث مربوط به موضوعات قرآنی، بسم‌الله الرحمن الرحیم است. این بحث در میان دانشمندان فریقین مورد اختلاف است که آیا عبارت: بسم‌الله الرحمن الرحیم در آغاز سوره‌ها، جزء سوره است یا نه؟

این موضوع در کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن مورد غفلت قرار گرفته یا اینکه بنا به دلایلی که ما نمی‌دانیم، مؤلف از طرح آن خودداری کرده است. پاسخ این پرسش را نمی‌دانیم. هرچه باشد از موضوعات قرآنی است و شایسته آن بود که به صورت هرچند گذرا، دیدگاه علمای فریقین طرح می‌شد و مورد بررسی قرار می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

آنچه گذشت نشان دهنده‌ی اهتمام فوق‌العاده‌ی مسلمانان به قرآن است که آن را در نظر و عمل از رسول اکرم (ص) فرا گرفته‌اند. از قدیم‌الایام و قرون نخستین اسلامی، دانشمندان مسلمان کتابهایی را درباره‌ی شناخت قرآن، خصوصاً تاریخ قرآن، به زبان‌های عربی و فارسی نوشته‌اند و در آن از موضوعات گوناگون پیرامون نزول، تدوین، جمع و نگارش قرآن، قاریان و قرات و ... بحث کرده‌اند. خاورشناسان هم در پی تحقق اهداف دینی و اغراض سیاسی خود در این میدان مطالعاتی کرده‌اند. از جمله کتاب‌های عمده‌ی فارسی در تاریخ قرآن، کتاب: پژوهشی در تاریخ قرآن نوشته‌ی دکتر سید محمد باقر حجتی است که



نخستین بار در سال ۱۳۵۸ در تهران منتشر شده است. به رغم مباحث بسیاری که در این میان آمده است و مؤلف با پشتوانه‌ی علمی حوزوی و دانشگاهی بدان پرداخته است، و با توجه به گذشت نزدیک به سه دهه از زمان تألیف، شایسته‌ی بازنگری کلی و تکمیل مباحث است، اگرچه همچنان قابل استفاده و بهره‌برداری است و تاکنون کتاب جایگزین آن به فارسی نوشته نشده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمد امین، ضحی‌الاسلام، مکتبه‌النهضة، قاهره.
- ۳- ----، ظهرا لاسلام، دارالکتاب العربی، بیروت، ۲۰۰۵.
- ۴- ----، فجر الاسلام، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۷۵.
- ۵- حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۶- حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی ...، دار الجیل، بیروت، ۲۰۰۱.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۷- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌نا، قاهره، ۱۹۶۷.
- ۸- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ‌الرسول و الملوک، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
- ۹- مرتضی، سید جعفر، حقائق هامه حول القرآن الکریم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۸.
- ۱۰- ----، الصحیح من سیره‌النبی الاعظم (ص)، دارالسیره، بیروت، ۱۴۲۰.
- ۱۱- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، سمت، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۲- ----، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲.
- ۱۳- واقدی، محمدبن عمر، المغازی، تصحیح: مارسدن جونز، بیروت، بی‌تا.
- ۱۴- یعقوبی، احمد بن واضح، التاریخ، مکتبه‌الحیدریه، نجف، ۱۹۶۴.